

نگاهی به وضعیت دانشگاه ها در افغانستان

عبدالکریم شعبانی



علم مدرن غرب تعیین کنیم. کوشش‌های تجدید مآبانی امثال سید جمال الدین افغان و محمود طرزی، در آن حدی نبوده است که بتوانند زمینیه را برای ورود علم جدید فراهم کند. آنچه آنان در باب تجدید و علم جدید غربی گفته‌اند چیزی بیشتر از توصیه به فراگیری دانش نبوده است و طبیعی است که آنسان هرگز نظری به ماهیت و سرشت دانش غربی نداشته‌اند. در طول این دو سه قرن گذشته، احیانا شعرا و تالاش‌هایی در باب گسترش معارف و ترقی جامعه وجود داشته است. حبیب الله خان اولین مکتب را در افغانستان به وجود آورد، همچنان اولین نشریه در زمان او ایجاد شد. شعار دولت امان الله خان نیز گسترش معارف بود، اما به رغم این شوق‌ها و تلاش‌ها ما هرگز موفق به ایجاد یک سنت علمی در افغانستان نشده‌ایم. بنابر این، نظام دانشگاهی امروز افغانستان چیزی فراتر از «قلیدی مبتدل» از علم مدرن و دانش غربی نیست. چنانچه در طول هشتاد سال حیات خویش، هرگز دانشی تولید نتوانسته است.

همان هشت دهه‌های گذشته، به جز چند چهره‌های محدود، که آن هم محصول دانشگاه نبوده است، مسأله‌ها هیچ تولیدی دانشگاهی در عرصه‌های علم و دانش نداشته‌ایم. اسماعیل مبلغ، صلاح الدین سلجوقی، عبدالحی حبیبی، هیچ کدام از درون دانشگاه برنخاسته‌اند. این سخن بدین معنا نیست که هر متفکر دانشگاه نیز باید به عنوان یک نهاد علمی، محصولی داشته باشد. دانشگاه اگر مکانی برای آندیشیدن نباشد پس به چه کار خواهد آمد؟ باری، این بحث رشته‌ای دراز دارد و پرداختن به تمام جواب آن، در اینجا امکان پذیر نیست. لذا آنچه در اینجا باقی مانده است باید در مجالی دیگر، با قدرت و انرژی بیشتری دنبال شود. سخن آخر اینکه، ما نیازمند آندیشیدن دوباره در باب دانشگاه هستیم تا بدین طریق بتوانیم منطق شکست آن را در این هشت دهه به درستی روشن کنیم. تبیین این شکست، سرآغاز تأمل در باب سرشت و شرایط علم مدرن، و نحوه‌ای ورود آن به افغانستان خواهد بود.

اما آنچه بسی مهم‌تر و در عین حال، پیچیده‌تر از این مسائل ظاهری است، همان انحطاطی است که بیش‌تر از آن سخن به میان آمد. در زمانی که در افغانستان بنیاد دانشگاه گذاشته می شد، نظام علمی ما چندین قرن بود که از فعالیت باز ایستاده بود. قبل از تأسیس دانشگاه، آنچه بوده است همان حوزه علمیه بوده است که در زمان تأسیس دانشگاه، دیگر قادر به تولید علم نبود. بنابراین در اینجا گسستی اتفاق افتاده است که به آسانی قابل تبیین و توضیح نیست. اما آنچه به اختصار می توان گفت این است که فاصله و شکافی عمیق بین حوزه علمیه و دانشگاه نو بنیاد ما ایجاد شده است و در نتیجه دانشگاه ما بر پایه‌های سست و موقتی بنا نهاده شده است. دانشگاه ما، ادامه‌ای حوزه علمیه نیست بنابراین در خلاء به وجود آمده است. اما در غرب این گونه نبوده است. دانشگاه غربی به پایه‌های حاصل علمی حوزه علمیه و در امتداد آن بنا شده است. در طی صد و پنجاه سال گذشته که ما رویارویی با غرب را تجربه کرده‌ایم و در تمامی کسب دانش مدرن و رفتن به طرف تجدید غربی بوده‌ایم، هرگز نتوانسته‌ایم نسبت خود را با تمدن و

پدین سان ما زمانی در افغانستان دست به تأسیس دانشگاه زدیم که انحطاط چندین قرنه، پیکر فرهنگ ما را از درون پوسانده بود. از قضا بنیاد دانشگاه در این کشور نیز در عدم آگاهی از این انحطاط تاریخی و فرهنگی گذاشته شده است، و این نشان بحرانی مضاعف است. چه بسا که اگر در هنگامه‌های تأسیس دانشگاه، این درک و آگاهی وجود می داشت، دانشگاه خود به مکانی برای آندیشیدن در باب این مسأله تبدیل می شد. اما گویا چنین دریاقتی از تاریخ و فرهنگ، در تئوآن اهل نظر و موسسان دانشگاه در آن دوره نبوده است. مرحوم میر غلام محمد غبار، تاریخ‌نگار نامی کشور، در کتاب معروفش «افغانستان در مسیر تاریخ»، به صراحت تمام بیان می کند که در دهه‌هایی که نهاد اولین دانشگاه گذاشته می شد، حکومت سعی داشت به دنیا بفهماند که افغانستان اساساً ضد معارف و تمدن و ترقی است. این سخن کسی است که خود عملاً در آن فضا نفس کشیده است و اختناق حاکم بر جامعه را با جان و روان خویش لمس کرده است. ساختن دانشگاه در چنین زمانه‌ای خود آشکارا یک تناقض است. به هر حال، این مسائل مربوط به ظاهر قضیه است.

که ارزش خواندن را داشته باشد نوشته نشد. در تمام این دو سه قرن، فقط یک کتاب در تاریخ افغانستان، نوشته شد. «تاریخ احمد شاه‌ی» نوشته محمود الحسینی منشی دربار احمد شاه ابدالی تا تقدیر آن از عمری شش صد و هفتصد به عنوان مقدمه‌ای این بحث، از آن رو آوردیم تا از این طریق بتوانیم بر ترویج فرهنگ و وضعیت دانشگاه در افغانستان بیفکنیم. دانشگاه در افغانستان عمر کوتاهی دارد. بر خلاف غرب و عمدتاً اروپا، که دانشگاه در آن عمری شش صد و هفتصد ساله دارد. از تأسیس اولین دانشگاه در افغانستان، حدود هشت دهه می گذرد. اگر اندکی تاریخچه دانشگاه در افغانستان را ورق بزنیم، دانشگاه را اوج بحران و انحطاط فرهنگی و اجتماعی و سیاسی در افغانستان تأسیس شد. هشت دهه پیش درست زمانی بود، که کشور در آتش جهل و خشونت می سوخت. اگر کمی به عقب‌تر بازگردیم از زمان احمد شاه ابدالی تا دوره ملا فیض محمد کاتب هزاره، تاریخ‌نگار خردگرای معاصر، که همانند خورشیدی تاین در قلب ظلمت ظهور کرد، در افغانستان، حتی یک کتاب جدی و عمیق و علمی،

نقش تکنالوژی در پیشرفت کشور

مصطفی احمدی

خواهد گذاشت و منظور از عامل خارجی، وجود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی و افزایش آن در کشور میباشد که این عامل میتواند روند ورود تکنالوژی در کشور را افزایش دهد. از عوامل مؤثر بر سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی میتوان به امنیت سرمایه‌گذاری، هزینه‌های حمل و نقل در کشور، اندازه بازار و وجود زیرساخت‌های مناسب در کشور اشاره کرد که هر کدام به نوعی میتوانند سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی در کشور را افزایش و یا کاهش دهند و به همین ترتیب ورود تکنالوژی در کشور را مورد تأثیر قرار دهند. به همین دلیل در ابتدا دولت و در ادامه تمام مردم باید در مسیری قرار گیرند و طوری برنامه‌ریزی نمایند که این عوامل را تقویت نمایند تا روند ورود سرمایه‌گذاری مستقیم خارجی به کشور که در سالهای اخیر روند منفی را در پیش گرفته است، افزایش یابد تا با ورود آن و تأثیر مثبت آن بر ورود تکنالوژی، مسیر توسعه و پیشرفت کشور تسریع گردد.



دهد و در نتیجه روند توسعه کشور را تسریع نماید. به عنوان مثال کشور ما میتواند از تجربیات کشورهایمانند کوریای جنوبی، تایوان، مالزی، برازیل و مکزیک استفاده نماید و با واردات تکنالوژی خارجی مناسب و با مدیریت صحیح آن، شاهد تأثیرگذاری مثبت آن در توسعه کشور باشد. اما یکی از نکات مهم و کلیدی که باید در این زمینه مورد توجه قرار گیرد توجه به عوامل داخلی و خارجی است. منظور از عوامل داخلی اراده ملی و عزم داخلی کشور برای پیشرفت و توسعه است که امروز کشور ما به این به‌سالیهای قبل دست پیدا کرده است هرچند عوامل مختلفی میتواند بر این عزم و اراده ملی خدشه وارد کند که مهمترین فاکتور آن، امنیت و مسائل مربوط به آن است. اگر در کشوری این اراده و عزم برای پیشرفت و عبور از این مرحله گذار وجود داشته باشد و تمام برنامه‌ریزی‌ها و سرمایه‌گذاری‌ها با توجه به همین اصل قرار گیرد و دولت، برنامه‌های زیرساختی خود را با توجه به همین اصل پیش ببرد، عامل درونی مؤثر در وجود تکنالوژی در کشور، تأثیر مثبتی را بر روند رشد و توسعه کشور

امروزه بسیاری از فناوری‌ها در نتیجه پژوهش به دست می‌آیند و پژوهشگاه‌های فناوری زیادی در سراسر جهان برپا شده‌است. تکنالوژی به معنای اصلی حداکثر استفاده از کمترین امکانات موجود می‌باشد و به همین دلیل در این زمینه نیز کشور ما نیازمند این است تا در راستای ایجاد و حمایت از موسسات علمی- پژوهشی قدم بردارد و بودجه‌ای را در این زمینه تخصیص دهد. تعریف جامع تکنالوژی عبارت است از «مجموعه‌ای متشکل از اطلاعات، ابزارها و تکنیک‌هایی که از علم و تجربه عملی نشأت گرفته‌اند و در توسعه، طراحی، تولید و بکارگیری محصولات، فرایندها، سیستم‌ها و خدمات مورد استفاده قرار می‌گیرند. امروز کشور ما میتواند با مطالعه و بررسی پیشرفت کشورهای صنعتی و تازه صنعتی شده به خصوص کشورهای شرق آسیا و آمریکای لاتین، به نقش مهم توسعه تکنالوژی در پیشرفت و توسعه آنها پی ببرد. مطالعه تجربیات این کشورها این امر را اثبات میکند که کشور ما میتواند با فراگیری و انتقال گسترده تکنالوژی‌های مدرن و مناسب، بهره‌وری خود را افزایش دهد و از طرفی هزینه‌های خود را در ابعاد مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی کاهش

شدند و ابعاد مختلف قابلیت‌های این دو تکنالوژی پر توان با توانمندی‌های تکنالوژی تلویزیون ترکیب شده و بدین ترتیب، عظیم‌ترین دستاورد تکنالوژی انسان ساخته شد. در ادامه شبکه جهانی ارتباطات و اطلاعات یا همان اینترنت نیز به سرعت همگی ابعاد زندگی بشر را دگرگون ساخت. این جریان تحول پر شتاب حول محور تکنالوژی دیجیتال، با فرصت‌ها و چالش‌ها، امیدها و بیم‌های بی‌سابقه همراه می‌باشد. عصر دیجیتال، عصری است پر آشوب که انسان از آفریده‌ی خدش عقب می‌ماند و خواسته‌های ناخواسته سبک جدیدی از زندگی بشر در آن شکل می‌گیرد. تکنالوژی به پیشرفت و گسترش صنعت‌های مختلف و تجارت‌ها کمک میکند تا در همسایه‌ها بتوانند امکانات بهتری را در اختیار مصرف‌کنندگان قرار دهند. انتظار می‌رود که در اقتصاد، که با تولید و توزیع کالا سروکار دارد، نظریه‌های فراگیر درباره‌ی تکنالوژی وجود داشته باشد، اما این گونه نیست. از نظر اقتصاددانان، تکنالوژی برای این رشته - اگر بخواهیم از اصطلاح فنی استفاده کنیم - امری «بیرونی» است. یعنی در بیرون از چارچوب نظریه اقتصادی قرار می‌گیرد.

در طول تاریخ انسان‌ها برای رسیدن به کمال در جستجوی دانش و معرفت بوده‌اند. از این رو فناوری در همه زمینه‌های علمی و معرفتی به وجود آمد که سبب رفاه و شکوفایی زندگی انسان در زمینه‌های گوناگون گردد. از نیمه‌ی دوم قرن بیستم و همزمان با پایان عصر صنعتی تحولات پر شتاب علمی- تکنالوژیکی آغاز گردید. نخست، با ورود کامپیوتر به عرصه فناوری، زندگی انسان متحول شد. سپس با همگرایی امواج حوزه اطلاعات و ارتباطات، بشریت به کمک تکنالوژی‌های ارتباطی از جمله تلفن به هم وصل

کارتون روز

بهاران خسته باد!

سال ۱۳۹۶

روزنامه افغانستان ما از همه دانشمندان و نویسندگان دعوت به همکاری می‌نماید.

هیئت تحریر در ویرایش مطالب دست باز دارد.

مقالات وارده بازگردانده نمی‌شود.

مسئولیت مقالات به عهده نویسندگان آنها است و تنها سر مقاله‌یابنگر دیدگاه روزنامه افغانستان می‌باشد.

❑ بنیان‌گذار: دکتر حسین یاسا

❑ مدیر مسول: محمد رضا هویدا

❑ سردبیر: حفیظ الله زکی

❑ کاریکاتورست: خالق علی‌زاده

❑ دبیران: علی اصغر زاهدی، مصطفی جعفری

❑ مسول وبسایت: غلام عباس اصلان

❑ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

❑ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

❑ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

❑ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

❑ آدرس: کابل، شهرک امید سبز، فاز چهار، کوچه ششم، خانه نمبر ۱۳۷

روزنامه

افغانستان ما

The Daily Afghanistan Ma